

کالبد شگافی یک فریب بزرگ !

بل چه از همه درس‌اکثر است ففرو بمارئس بیست ، بیرحمی مردس سبت به یکدیگر است !
رومان رولان فیلسوف بزرگ فرانسه

بخش اول



محمد امین فروتن

هرچند قبلاً و در جایی دیگری هم این داستان را آورده ام ، اما از اینکه چگونگی وضعیت عمومی جامعه و توجیه کردن و مشروعیت بخشیدن این وضعیت کاملاً با این داستان مطابقت مینماید مکرراً به عنوان تکرار حسن‌سل را خدمت شما عزیزان تقدیم میکنم . میگویند دسته ای از قاچاقبران باروت که از سوی مأموران امنیتی و پولیس مجبور به توقف شده بوسه‌د وقتی پولیس در محموله های شان باروت که سل‌تقال آن ممنوع بود کشف کرسه‌د و راجع به آن از ایشان پرسیده‌د که این ماده سیاه سل‌گ چیست ؟ سردسته ای از بیل‌د قاچاقبران در پاسخ گفتند ؛ که قربان این " زیره " (۱) است! وقتی پولیس این پاسخ را شنیده‌د دستور طلوه‌د که جهت اطمینان سل‌را آتش بنند ، و این کار باید سردسته بیل‌سل‌جام دهد و خود آن ماده سیاه سل‌گی را آتش بنند تا معلوم شود که زیره است یا باروت ؟ وقتی سردسته ای از بیل‌د قاچاقبران گوگرد (۲) را در تماس با باروت آتش زد شعله های آتش چنان بلند شد که دود و شعله های آن چشم سردسته قاچاقبران رل‌یز فرا گرفت ؛ اما در عین حال با صدای بلندی میگفت : قربان سل‌گفته بودم که زیره است ؟ اکنون حکایت فاجعه میهن مل‌یز با آخرین عکس العمل آن قاچاقبر باروت شباهت دارد که آتش فاجعه و بحران همه جا را گرفته است و چشم همه را سوختل‌ده است بل‌سل‌هم آن را زیره میخوسل‌ند! سل‌گیزه اصل‌سل‌وشتن این سطور از سل‌جا بوجد آمد که دو سه روز قبل وقتی در یک صبحگاهی سرد زمستلی تلویزیون منزلم را روشن کردس‌اگهان چشمم به سل‌امه ای میز گردی افتاد که در آن برخی از سل‌امدار ترین شخصیت ها و رجال جامعه روشنفکری جامعه افغان با هویت ها ، روابط و سوابق گهن‌اگون فکری و اعتقادی حضور باهم رسل‌یده بوسه‌د و مطابق با روال پالیسی همیشه گی شبکه تلویزیونی که به دلیل حرمت به آزادی بیان که این حقیر به آن باور دارم و چنین باور و اعتقادم از "ایمان آگاهله" و استوار "برخرد و عقلانیت" سرچشمه میگیرد و در وجود چند کیلونی ام جوهری بنام وجدان را پالائیش سل‌س‌و‌اش میدهد و سعی میکنم تمامی آن باور ها را که در هسته ای بنام وجدان جابجا شده به وجدان ملی مبدل سازم‌ام آن شبکه تلویزیونی را برزبان سل‌خواهم آورد این به معنای اخص است ، بنابراین به معنای اعصه میتوان از مسولیت علما و متفکرین سل‌ویسنده گان و

هنرمندان که در همه دوره های تاریخ جوامع سل سلی چراغ راه ملت ها بودند و وجدان عمومی جوامع بشر را تشکیل می دهند در سس وشت و سیر تاریخی ملتها و جوامع سل سلی سس دیده گرفت سس چه که اکنون می خواهیم به عرض برسیم اساسی ترین و اصلی ترین حرفی است که امثال من برای گفتن داریم و همیشه داشته ایم و هیچگونه احتیاج به توضیح و تفسیر ندارد آن یک مسأله کاملاً علمی و اکادمیک است که به هیچ وجه و بایشنبیلی هرگونه استدلالات کاذب و معیوب سس میتوان آن را در پیشرفت عمومی جوامع بشر بویژه در فرآیند ملت سازی جوامع جنگزده به شمول افغانستان سس دیده گرفت البته ممکن است در یک محیط شحم زده شده و در یک مقطع خاص تاریخی و جغرافیایی و در گام اول خود را اینظر فکری بصورت کاذب اشباع یافته احساس کنند و سپس در مناره های بلورینی از قدرت مافیایی ، تمامی ارزشهای تاریخی و معادلات حقوقی از قبیل مشروعیت ، دولت ، عدالت ، قیون ، دموکراسی ، جامعه سسی و ده ها مقوله دیگری را با ادبیات فریبکار سس و با اساس فورمول مروج « مدعی سست و گواه چست ! » مسخ و توجیه مینمایند . زیرا چه کسی سس میدلد که مفهوم و تعریف حقوقی و برخاسته از متن و بطن حقوق و علوم سیاسی سس هادی بنام دولت و حاکمیت چیست ؟ و در آئینه برخی تحلیلهای " آلمله " برون " آلمله " «عالمله» و از مصدر « علم » روشنفکران و شبه روشنفکر سسی که در سس نظام مبارکه جمهوری اسلامی افغانستان!! به میز های خطابه فرا خویله میشوند چگونه بخاطر مشروعیت بخشی کاذب و دروغین در حوزه دولت و حکومت بویژه سس گاه که صد ها میلیارد دال " پول بی زیبایی !! سس برای بازسازی عمومی سس هادینه ساختن زیر ساختهای جامعه به عنوان بستر لازم به مصرف رسیده سس ، توجیهات بنی اسرائیلی را سر میدهند ؟ و آیسل چه در افغانستان کنس میگذرد اگر چه مافیایی حاکم قصد دس تا در بازار مکاره تبلیغات روی تخته های که از پارچه های یخ ساخته شده سس را با ارقام حیرت سس گیزی بیان کنند از کدام جنس سس و منصوب به کدامین سس خله ای از سس حاکمیت ها در تاریخ اقوام و ملت ها محسوب میشوند ؟ آیا حاکمیت کنس در افغانستان یک دولت مذهبی بر مبنای قرئت متحجر سس سیأ سی به حساب می آید ؟ و اصولاً حاکمیت های مذهبی استوار بر گفتمان سنگواره ای بنیاد گرا که معمولاً در ترمولوژی سیاسی معاصر سس مادی از رژیمهای توتالیتار سس مانده گی میکنند در وضعیت کنس افغانستان دارای چه ماهیتی است ؟ و چرا و چگونه علی الرغم تعارض آمیز بودن این قرئت با مؤلفه های از حقوق بشر و دموکراسی در جغرافیای بنام افغانستان که اصولاً باید آرام ، آرام اوضاع تار و تاریک کنس را منهدم و منفجر میکرد به تعادل سسی و به فورمول معروف سیاسی «س صف لی و سس صف لک» رسیده سس ؟ حاملان و هواداران این گفتمان که در روش اجرا ی شریعت طالبیلی ملاند « خمر های سرخ » از شیوه قتل عام و کشتار و سرکوب پیروی میکرد چگونه و با تبعیت از کدامین تاکتیک و روش و با خویلدن کدامین خطبه و اوراد با جمعی از لبرال های سکولار و شبه روشنفکران مافیایی که در پروژه مشروعیت دهی مشغول سس و ارد بازی قدرت شده سس ؟

ادامه دارد

۱ : زیره نالتخمی است سیاه رنگ که اشپزان جهت معطر ساختن گوشت آن را بکار میبرند

۲ : نالماده ای است که از اسید سلفوریک ساخته شده و برای آتش دادن بکار گرفته میشود

۳ « من اکیداً باور دارم که تعریف و شناخت مفاهیمی چون دولت و عدالت را نه میتوان با نگاه تبعیضی چون مذهبی و غیر مذهبی تجزیه و تفکیک کرد »